

راه صلیب
با کلیسای ارمنی
و پاتریارک کارکین اول

VIA CRUCIS

Meditation of H. H. Karekin I

این جزوه ترجمه‌ای است از :

VIA CRUCIS, Good Friday 1997 in Rome.

Meditation of H. H. Karekin I

The Pontifical Council For Promoting Christian Unity
Information Service, N. 95 (1997/II-III)

راه صلیب

(VIA CRUCIS)

جمعه مقدس ۱۹۹۷ در رم

دعاها و نیایش‌های حضرت کارکین اول

پیشگفتار

تعمق‌هایی که این راه صلیب را تشکیل می‌دهد نوشته حضرت کارکین اول، کاتولیکوس کل ارامنه است که به نشانه برادری، در دسامبر ۱۹۹۶ برای ملاقات با پدر مقدس و تقویت رابطه مقدس همبستگی با او و با کلیسای کاتولیک به رم آمد. در ماه ژانویه نیز حضرت آرام اول، کاتولیکوس ارامنه قلیقه نیز دیدار مشابهی با پاپ داشت.

اینک به شیوه‌ای نمادین، کاتولیکوس کارکین یک بار دیگر در فضائی آکنده از مفاهیم عمیق نمادین و روحانی با اسقف رم دیدار می‌کند. ایشان به اتفاق هم در پیروی از خداوند مشترک خود، عیسی مسیح، در راه صلیب که سرچشمه تمامی نجات است، در نام و در اتحاد با کلیساهای خود پیش می‌روند و برای تمامی دنیا و مخصوصاً برای صلیب‌هایی که بر امید زنان و مردان بیشماری سنگینی می‌کند، دعا می‌کنند.

این دو برادر به پیروی از راه درد و رنج نجات بخش و به ندای درد و رنج‌های بشریت، بار دیگر با هم ملاقات می‌کنند. آنها در انتظار جاری شدن روح القدس با هم به سوی پدر همگان، در پی پسر مطیع او می‌روند. راه صلیب، راه اتحاد است.

تاریخ ملت ارمنی را نمی‌توان جدا از ایمان مسیحی دانست. از ابتدای بشارت انجیل که سنت آن را به برتولما و تدی رسول نسبت می‌دهد، زندگی این قوم با شهادت مداوم به وفاداری به مسیح، تا سرحد فدای جان مشخص و متمایز گشته است.

مسیحیت هم از طرف غرب به واسطه کلیساهای پنطس و کپدوکیه و هم از جنوب توسط کلیسای سوریه به ارمنستان شناسانده شد که نتیجه آن برخوردی ثمربخش میان سنت‌های متفاوت کلیسائی بود.

اختراع الفبای مناسب در آغاز قرن پنجم این امکان را به وجود آورد که کار عظیم ترجمه کتب مقدس و متون پدران کلیسا آغاز شود. همچنین در پیدایش و تکوین آیین نیایشی که قادر باشد طیف گسترده‌ای از روحیات و احساسات را شبیه‌سازی کند و آنها را در نور اصالت ممتاز خود تازه گرداند نقشی ویژه داشت. این روند در طول قرن‌ها ادامه یافت، چنانکه مراسم نیایشی ارامنه هم با عناصر بیزانس و هم لاتین غنی می‌گشت. این گشایش فرهنگی نسبت به نفوذ انواع تأثیرات به خودی خود نشانه‌ای از گشایش ذاتی کلیسای جهانی است.

* * *

مقدمه ناشر

روح القدس امروز ما را در این کلیسا جمع کرده تا بر رنج و مرگ و رستاخیز عیسی مسیح تعمق کنیم و امسال که سال مقدس یوبیل است در تعمق و نیایش خود از نشانه‌ای عجیب و امید بخش سود می‌بریم که همانا اقدامات کلیساها در جهت اتحاد می‌باشد. معنای عمیق این حرکت را در کار حضرت پاپ ژان پل دوم می‌یابیم که چند سال پیش، تعمق حضرت کارکین اول پاتریارک کل آرامنه را برای مراسم راه صلیب در کلیسای رم بکار برد، تعمقی که طبق سنت و روش نیایشی کلیسای ارمنی نوشته شده بود.

تعمق هر مرحله معمولاً دو بخش دارد: ابتدا بر متن انجیل و سپس ارتباط دادن همان متن با زندگی امروز ما. برای ایماندارانی که در مراسم راه صلیب در شهر رم شرکت کرده بودند، دفترچه‌ای حاوی شمایل‌های پرمعنی کلیسای شرق تهیه شده بود و ما نیز برای غنی کردن پرستش خود از این شمایل‌ها استفاده می‌کنیم چرا که این شمایل‌ها در واقع نشانه‌ای از نگاه کلیسا بر مسیح است. پس با روحیه‌ای آکنده از رنج و درد مسیح به خاطر جدائی‌های بین کلیساهای ما در این کشور و با امید راسخ به روح القدس که قادر است زخمهای متقابل را که در طول زمان پدید آمده شفا دهد و ما را به سوی اتحاد کلیساها در مسیح و همکاری و شهادت مشترک هدایت کند، همراه حضرت پاپ، اسقف رم دعا می‌کنیم:

بند گردان: ای بره خدا، که جهت ما قربانی شدی

قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می‌کنی

باشد که در زخمهای تو شفا یابیم

در زخمهای تو شفا یابیم.

ای خداوند صلیب

قلبها و ذهن‌های ما را به هم نزدیک کن
و آنها را با قلب و ذهن خود متحد بساز

تا ما دست در دست هم،

به دنبال قدمهای تو به سوی صلیب پیش رویم.

محبت خود را در ما افزون گردان

و ما را در پیمان اتحاد و یگانگی تقویت نما

به ما روح رفاقت عطا فرما

تا در پاسخ به محبت اعجاب‌انگیز تو به ما

و در محبت به یکدیگر

با وفاداری و ایمان بیشتر دعا کنیم.

عطا کن که این نیایش مشترک

ما را به اطاعت بیشتر از محبت و اراده تو

برای اتحاد ما در تو رهنمون سازد.

باشد که مشارکت نیایشی ما

در لحظات درد و رنج تو

شایستگی همدردی تو برای ما را داشته باشد

ما که خادمین فروتن محبت،

صلیب و رستاخیز تو هستیم.

آمین.

بند گردان: ای بره خدا، که جهت ما قربانی شدی...

مرحله اول

عیسی در غم و اندوه بر کوه زیتون

انجیل مرقس (۱۴: ۳۲-۳۶)

عیسی و شاگردان به مکانی رفتند که جتسیمانی نامیده می‌شد.

او پطرس، یعقوب و یوحنا را به همراه خود برد، در حالی که به شدت مضطرب و اندوهگین می‌شد. بدیشان گفت «نفس من بسیار محزون است، حتی تا به موت، در اینجا بمانید و بیدار باشید.» و قدری پیش‌رفته به روی زمین افتاد و دعا کرده گفت، که اگر ممکن باشد این ساعت از او بگذرد. و نیز گفت «ابا، پدر، همه چیز نزد تو ممکن است این پیاله را از من دور بگردان لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.»

* * *

تعمق

بندگردان: آمین، آمین شما را گویم

اگر دانه گندم به زمین افتاده نمیرد، تنها ماند

اما اگر بمیرد ثمر بسیار آورد

هللویاه، اگر بمیرد ثمر بسیار آورد

هللویاه، هللویاه، هللویاه.

خواننده اول: ضعیف‌ترین و در عین حال قوی‌ترین ساعت در زندگی مسیح!

او می‌دانست که چه مرگ وحشتناکی در انتظارش است.

او که حقیقتاً و کاملاً انسان بود

در زندگی بشری خود

لحظه‌ای را که در آن تمام انسانها از مرگ می‌ترسند، تجربه نمود

مخصوصاً مرگی که به دست انسانها و به دلیل بی‌عدالتی به وجود آمد.

مرگ هر روزه ما را تهدید می‌کند.

اغلب آن را نادیده می‌گیریم

اما وجود دارد، در اطراف ماست و برای ما و دیگران قرار داده شده است.

آیا برایش آمادگی داریم؟

آیا می‌توانیم آن را سرکوب کنیم؟

تنها راه تسلیم نشدن در برابر ترس از مرگ

این است که بگوئیم:

«اراده تو انجام شود.»

بندگردان: آمین، آمین شما را گویم...

خواننده دوم: «اراده تو انجام شود.»

ایمان به خدا ما را به شجاعت روحانی سوق می‌دهد،
فضیلتی که در دنیای امروز بیش از هر چیز به آن نیازمندیم
زیرا در میان رفاه و ثروت دنیوی،
نظاره‌گر فقر روحانی و احساس پوچی هستیم
که ما را احاطه کرده
و «نگران و ناراحت» می‌کند.

جام درد و رنج هر روزه بر سفره ما قرار دارد:
جام خود ما یا جام دیگران که از آن غفلت می‌کنیم
و از آن اجتناب می‌ورزیم.

اما هنگامی که ساعت‌گریز ناپذیر نوشیدن آن فرامی‌رسد
آیا آماده خواهیم بود که بگوئیم:
«اراده تو انجام شود؟»

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.

همه: ای خداوند درد و رنج،

همراه تو به باغ جتسیمانی قدم نهاده ایم.

در رنج تو سهیم هستیم.

آنگاه که تو به حضور ابا، پدر، دعا می‌کنی

ما نزد تو دعا می‌کنیم، ای خداوند و نجات دهنده ما.

استغاثه‌های ما را بپذیر،

ایمان شکست ناپذیر و

تسخیرکننده خود را در ما تقویت فرما
تا بتوانیم بدون ترس از مرگ
و با امید به زندگی جاودان
از میان این دره مرگ عبور کنیم.
تلخی جتسیمانی را
به مزه باغ عدن، موطن اولیه ما
و سرچشمه هر شادی، تبدیل فرما.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی؛

نام تو مقدس باد؛

ملکوت تو بیاید؛

اراده تو چنانکه در آسمان است،

بر زمین نیز کرده شود.

نان کفاف ما را امروز به ما بده؛

بخشای گناهان ما را؛

چنانکه ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را؛

و ما را در آزمایش میاور،

بلکه ما را از شریر رهایی ده.

مرحله دوم

یهودا به عیسی خیانت کرده سربازان او را دستگیر می کنند

انجیل مرقس (۱۴: ۴۳-۴۶)

در ساعت وقتی که هنوز سخن می گفت،
یهودا که یکی از آن دوازده نفر بود، آمد
و با او جماعتی بسیار با شمشیرها و چوبها
از جانب رئیس کهنه و کاتبان و مشایخ آمدند.
اینک تسلیم کننده بدیشان نشانی داده گفت
هر آن که را ببوسم همان است، او را بگیرد
و به حفظ تمام ببرید.
و هنگامی که او آمد فوراً نزد وی رفته گفت «استاد»
و او را بوسید.
ناگاه دستهای خود را بر وی انداخته
او را گرفتند.

* * *

تعمق

بند گردان: آنکه محبت کرد خدا را خواهد شناخت

زیرا خداوند محبت است.

خواننده اول: او محبت بود

نام او محبت بود.

او تنها محبت بود.

به محبت موعظه نمود.

محبت را گسترش داد،

حتی به کسانی که با نفرت پاسخ می دادند.

محبت، اطمینان به وجود می آورد.

او به شاگردان خود اطمینان داشت

زیرا که آنها را دوست می داشت.

با وجود این، یکی از آنها گمراه شد.

عشق به نقره جایگزین

محبت استاد شد بود.

هنگام بوسیدن او را «استاد» خطاب کرد

اما بوسه او پرده ای از طمع بود.

محبت او را ترک کرده

خودخواهی، تمام جانش را در برگرفته بود.

بند گردان: آنکه محبت کرد خدا را خواهد شناخت...

خواننده دوم: خیانت و سوسه ماست.

با تظاهر به محبت

با خیانت کردن به یکدیگر، چقدر به او خیانت کرده ایم.

به پدر و مادر خود خیانت می‌کنیم
که هستی ما مدیون محبت آنهاست.
به معلمین خود خیانت می‌کنیم
که تعلیم و تربیت ما مدیون توجهات آنهاست.
به رؤسای خود خیانت می‌کنیم
و به رهبران خود در زمینه‌های مختلف زندگی.
خارهای دشمنی
در مزرعه زندگی ما کاشته می‌شود،
آن دشمنی که اغلب در لباس دوستی
پنهان شده است.
شفا در توست، در محبت تو،
محبت فراگیر و شفا دهنده
که صلح را بار دیگر برقرار می‌سازد،
توافق را می‌گستراند،
اعتماد ایجاد می‌کند
و خیانت را می‌زداید.

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.
همه: ای خداوند که به تو خیانت کردند
بر ما خیانت کاران نظر فرما.
آتش محبت خود را بار دیگر در ما شعله‌ور ساز،
تخم نفرت و بدگمانی را از ما دور کن.
قلبهای ما، افکار و دستهای ما را پاک بساز
تا مزرعه زندگی مان را
از خارهای دشمنی و خیانت،
از طمع و خودخواهی پاک کنیم.
ما را توانائی ده
تا سایه‌های یهودا را از خود دور نماییم
و بر تمام وسوسه‌های خیانت غلبه یابیم.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله سوم

شاگردان عیسی او را ترك می کنند

انجیل مرقس (۱۴: ۲۷، ۵۰)

عیسی به ایشان فرمود:

شما همگی در من لغزش خواهید خورد، زیرا که مکتوب است:
شبان را می زخم و گوسفندان پراکنده خواهند شد.
آنگاه همه او را رها کرده گریختند.

* * *

تعمق

بندگردان: یک صدا: ندای مسیح را بیاد آوریم:

«بدنبال من بیا».

همه: هر که بخواهد با عیسی مسیح زندگی کند

همچون مسیح رمج و آزار خواهد دید. (۲ بار)

خواننده اول: عیسی همیشه در میان مردم،

همراه مردم و برای مردم بود.

شاگردان خانواده او بودند،

با وجود این در ساعت اندوهش او را تنها گذاشتند.

خواننده دوم: دنیای اطراف ما دنیای شلوغی است،

پراز حرکت، سرشار از اتفاقات و تغییرات سریع،

اغلب غیرمنتظره، غیرقابل پیش بینی، نگران کننده و حیرت آور.

با این وجود غالباً در این آشوب احساس تنهایی می کنیم
حتی هنگامی که در اطراف ما انسانهای دیگری هستند.

چه بسیاری از ما در درون خود زندانی هستیم

ترك شده از سوی جامعه؟

چه بسیارند افراد یتیم، معلول، کهنسال، فقیر، تنها، فراموش شده و مظلوم.

تنهایی سراغ ثروتمندان هم می رود

که صاحب قدرت و امتیاز هستند.

اما دور از محبت، آنان نیز تحقیر می شوند.

تنهایی و سوسه زمانه ماست.

عیسی را شاگردانش ترك نمودند

همانها که قلبها و افکارشان

از حضور او، سخنان و اعمال او مملو بود.

ایشان در خواب بودند

و هنگامی که بیدار شدند «گریختند».

بندگردان: یک صدا: ندای مسیح را بیاد آوریم...

خواننده اول: اما آن ترك شده

ما را ترك ننمود و ترك نیز نخواهد نمود،

بیائید رو به سوی او آوریم.

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.

همه: ای خداوند ما را به مشارکت خود باز آور.

در تنهایی، احساس سرمای جانسور می کنیم،

در تنهائی، احساسی جز ترس و یأس، فقر و ناتوانی نداریم.
در تنهائی، گم می شویم.

فرار ما از تو،

ما را به جهنم نزدیک تر کرده است.

ما را از دست خودمان حفظ فرما،

از وسوسه بی توجهی به حضور تو

و از زندانی شدن در وجود تنگ خودمان.

عطا کن که تنهائی تو پری ما باشد

و تنهائی ما در همراهی با تو، ناپدید شود.

سکوت

همه : ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله چهارم

شورای یهود، عیسی را محکوم می کند

انجیل مرقس (۱۴: ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۴-۶۵)

رؤسای کهنه و جمیع اهل شورا

در جستجوی شهادت بر علیه عیسی بودند

تا او را بکشند.

و برخی برخاسته شهادت دروغ دادند.

و رئیس کهنه در میان آنان ایستاده از عیسی پرسید

« آیا جوابی نداری که بدهی؟ »

اما او ساکت مانده هیچ جواب نداد.

پس همه بر او حکم کردند که مستوجب قتل است

و بعضی شروع کردند بر آب دهان بر وی انداختن و بر او ضربه زدن.

و نگهبانان نیز او را با ضربه ها استقبال نمودند.

* * *

تعمق

بند گردان : آنکه محبت کرد خدا را خواهد شناخت

زیرا خداوند محبت است.

خواننده اول : نفرت جامه عمل می پوشد!

تحقیر به شکنجه مبدل می گردد!

عیسی در آن میان تنهاست

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.

همه: ای خداوند درد

و ای شفا دهنده دردها،

سکوت تو بیانگر ایمان و محبت درخشان است.

سکوت تو پاسخی است به نفرت.

از تو التماس داریم،

گوشه‌های ما را باز کن،

قلبه‌های ما را مملو بساز،

ذهن‌های ما را پاک گردان.

ما محتاج محبت و ایمان تو هستیم

تا نفرت را از میان خود برانیم.

اعتراف می‌کنیم که بی‌ایمانی و کم‌محبتی ما

اغلب ما را به آنجا می‌رساند

که جزو آنهایی باشیم که در «ضربه زدن» به توافتن می‌کردند

و «تو را با ضربه‌ها پذیرا شدند.»

بازوان ما را بگشا تا تو را دربرگیریم

در محبت، در ایمان، در امید.

تو تنها نجات دهنده ما هستی.

از دردهای تو شفا می‌یابیم.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

و تسلیم شده در دستهای دشمنانش

که می‌خواستند او و مأموریتش را نابود کنند.

بندگردان: آنکه محبت کرد خدا را خواهد شناخت...

خواننده دوم: نفرت همانند ظلمت در زندگی ماست،

چقدر ما را احاطه می‌کند

هنگامی که از «نور جهان» دور می‌شویم.

منفور در میان افراد

در میان جوامع،

به خاطر تبعیضهای نژادی،

منفور در اثر بی‌عدالتی‌ها و تبعیضها،

منفور به خاطر خودبینی و تکبر.

مردم، جوامع و ملت‌ها «آب دهان انداخته شده» هستند،

مضروب گشته، تحقیر شده، منفور گشته و به مرگ تهدید می‌شوند.

جنگها در گوشه و کنار جهان

همانند تاج خاری هستند که بر سر عیسی نهاده شد.

ما تا چه اندازه بخشی از این ظلمت هستیم؟

محبت در اعمال ما چه سهمی دارد؟

هنگامی که به عیسی می‌نگریم که ضربه‌ها را تحمل می‌کند،

آیا ما نیز مضروب نمی‌شویم؟

پس بیایید برای شفا یافتن رو به سوی او آوریم.

مرحله پنجم

پطرس عیسی را انکار می کند

انجیل مرقس (۱۴: ۶۶-۶۸، ۷۳)

هنگامی که پطرس در ایوان پائین بود،

یکی از کنیزان رئیس کهنه آمد

و چون پطرس را دید که خودش را گرم می کند

بر او نگریسته گفت:

تو نیز با عیسی ناصری بودی؟

اما او انکار نموده گفت:

من نه می دانم و نه می فهمم که منظور تو چیست؟

و پطرس به یاد آورد

که چگونه عیسی بدو گفته بود

«قبل از این که خروس دو بار بخواند

تو سه بار مرا انکار خواهی کرد.»

و شکسته دل شد و بگریست.

* * *

تعمق

بند گردان: رحمت فرما خداوندا، رحمت فرما

که ما آدمیان در گناه هلاک نشویم.

خواننده اول: انکار عیسی

انکار خویشتن خویش است.

ترس سلطه عجیبی بر ما دارد.

پطرس ترسید.

خواننده دوم: ترس ضعف است.

ترس صداقت و درستی انسان را زایل می سازد.

حتی شجاع ترین انسانها که ادعای نترسی دارند

از تأثیر ترس در امان نیستند.

وسوسه ترس همیشه با ما خواهد بود.

بند گردان: رحمت فرما خداوندا، رحمت فرما...

خواننده اول: برای ما آدمیان آسان نیست

که سخنان خود عیسی را پیروی کنیم:

«از آنهایی که جسم را می کشند ترسان نباشید» (متی ۲۸: ۱۰)

پیروی از نمونه او کار آسانی نیست

که آماده مضروب شدن باشیم

شلاق بخوریم یا شکنجه شویم

و صلیب را انتخاب کنیم.

تنها قدرت برای پیروزی بر ترس،

کلام اوست که فرمود «قوی دل باش، من هستم، مترس» (متی ۲۷: ۱۴).

«دل شکسته شدن و گریستن»، پطرس را از ترس رهانید.

خواننده دوم: «دل شکسته شدن و گریستن»، پطرس را از ترس رها کنید.

توبه و احیای اتحادمان با او
می تواند ترس را از زندگی مان دور کند.
پیروزی بر ترس از مرگ
با مرگ عیسی مسیح به دست آمد.

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.

همه: خداوندا

ای شبان شجاع و استاد ترس
هر نوع احساس ترس
را از ما دور کن،
ما را نسبت به دلیری خود پیوسته آگاه ساز
تا در وسوسه انکار تو نیفتیم.
اقرار می کنیم که انکار تو
ما را از خویشتن واقعی مان بیگانه می سازد.
دور از تو احساس تهی بودن می کنیم
احساس ضعف در برابر ترس .
بر ما نظر کن و در چشمان ما
قطراتی از اشکهای چشم پطرس رسول فرو ریز
تا ما را به راه راست هدایت و تقویت کنی
که همه جا وهمه وقت به تو شهادت دهیم.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی ...

مرحله ششم

پیلاطس عیسی را داوری می کند

انجیل مرقس (۱۵: ۱-۵)

به محض این که صبح شد عیسی را بند نهاده بردند
و به پیلاطس تسلیم نمودند.

پیلاطس از او پرسید «آیا تو پادشاه یهود هستی؟»
و او در جواب وی گفت «تو می گویی»
و رئیس کهنه ادعای بسیار بر او می نمود.

پیلاطس دوباره از او پرسید
«آیا هیچ جوابی نداری که بدهی؟»
ببین چقدر اتهامات علیه تو دارند»
اما عیسی دیگر پاسخی نداد.
چنانکه پیلاطس متعجب شد.

* * *

تعمق

بند گردان: چنین شد آشکار بر ما محبت های ربانی

بهنگام گناه ما

مسیح گردید قربانی.

خواننده اول: عیسی بار دیگر با داوری روبرو می شود!

خالق از سوی مخلوقات خود داوری می شود!

چه طنز تلخی اینجاست!

خواننده دوم: چه بسیار در زندگی روزمره خود

نقش داور را ایفا می‌کنیم؟

چشمان ما بر دیگران خیره شده

و به ندرت درون خود ما را می‌کاود.

همنوعان ما حضور بیشتر و برجسته تری در نظر و داوری ما دارند.

واقعاً لذت می‌بریم که خودمان را عادل بشماریم.

دنیای ما در دام تنیده‌ای از روابط درونی گرفتار شده،

رسانه‌های گروهی نیز کسان دیگری را بر ما تحمیل کرده‌اند

و مرکز توجهات ما را اشغال نموده‌اند.

سستی و ضعف بشری، ما را به «خود عادل‌پنداری» می‌کشاند،

وقتی ما خود مورد داوری قرار می‌گیریم

به آسانی وسوسه می‌شویم

که با محکوم نمودن کسانی که ما را محکوم کرده‌اند

مقابله به مثل کنیم.

بندگردان: چنین شد آشکار بر ما محبت‌های ربانی...

خواننده اول: عیسی ساکت بود

و سکوت او پیلاطس‌های تمام اعصار را حیرت زده می‌کند.

خواننده دوم: تعلیم او را بیاموزیم،

از نمونه او پیروی کنیم؛

خود را داوری نکنیم

بلکه اجازه دهیم خدا داور متعال ما باشد.

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.

همه: ای خداوند، ای داور همه انسانها،

ای سرچشمه هر عدالت،

ما مدد فرما که از این پس داور دیگران نباشیم.

تو ما را داوری کن

زیرا که تو داور عادل هستی.

وجدان ما را پاک ساز

تا آینه‌ای صاف برای داوری تو باشد.

اقرار می‌کنیم که وجدان ما اغلب

به خاطر دنیوی بودن و «خود عادل شمردن» ما تیره و تار است.

به ما سکوت باطنی عطا فرما

تا صدای داوری تو را

که همانا راه نجات ماست به وضوح بشنویم.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله هفتم

عیسی محکوم به مرگ می شود

انجیل مرقس (۱۵: ۱۲-۱۵)

پیلطس باز به ایشان گفت:

« پس چه باید بکنیم با آن کسی که شما او را پادشاه یهود می نامید؟ »

و آنها دوباره فریاد برآوردند « او را مصلوب کن. »

پیلطس بدیشان گفت « چرا، چه شرارتی کرده است؟ »

اما آنها هرچه بیشتر فریاد کردند « او را مصلوب کن. »

پس پیلطس چون می خواست که مردم را خشنود نگاه دارد

برای ایشان آزاد کرد

و عیسی را تازیانه زده

اورا تسلیم نمود تا مصلوب گردد.

* * *

تعمق

بند گردان: خدای من، خدای من

چرا مرا ترک نموده ای

بیهوده تنها امید من

خواننده اول: «مصلوبش کن»!

«مصلوبش کن»!

امروزه هم این صدا با همان قوت طنین انداز است

همان صدا که ابتدا از زبان مردم در اورشلیم شنیده شد.

خواننده دوم: چقدر ما عیسی را مصلوب کرده ایم

به علت بی تفاوتی، بی اعتنائی و

بی تحرکی مان نسبت به نیازهای ایمانی

که با کلام و اعمالش،

با درد و رنج و قربانی شدنش بر صلیب به ما داده است؟

خواننده اول: آن جماعت، در همه شلوغی ها از روی احساسات عمل کرد

با تحریک و تشویق رهبرانشان

که خود به عمد از روی شرارت عمل کردند

و هدفشان نابودی همان کسی بود که در او

به عوض نجات، نابودی خود را می دیدند.

مسیح در طول تمام قرون بعد از وی

بارها و بارها مصلوب شد.

با اندوه مادر دلشکسته خود،

مریم باکره مقدس، مصلوب گردید.

با مصلوب شدن پطرس رسول

با شکنجه های مرگبار رسولان

و شهدا و شهادت دهندگان به وی از هر ملت، هر بار مصلوب شد.

خواننده دوم: ما در زمره آن جماعتی هستیم

که خواستار مصلوب شدن عیسی

و حذف وی از زندگی انسانی ما بودند.

با علاقه ظاهری به ایمان مسیحی،

با رفتارهای نه سرد و نه گرم نسبت به دعوت و خدمت او

و حتی انکار محبت الهی اش

که در اختلافات درونی مان نمود یافته،
معبدهائی از بی تفاوتی در درون خود بنا کرده ایم.

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.

همه: ای خداوند صلیب،

ای شفا دهنده گناهان ما،

از تو تقاضای بخشش داریم.

با دیده پر از ترحم و دلسوزی بر ما نظر فرما.

ما را از جماعتی

که فریاد برآوردند «مصلوبش کن» جدا ساز.

بی ایمانی، محبت سطحی،

عدم فداکاری،

نقصان در اصالت و درستی،

ضعف در شهادت،

تعلل و سستی در خدمت،

کم رنگ بودن چهره تو در ما،

همه این گناهان ما را ببخش.

ما را در زیارت مان بر روی زمین،

از بیراهه ها بازگردان

و بار دیگر به راه اصلی هدایت کن.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله هشتم

عیسی را تمسخر کرده تاجی از خار بر سر او نهادند

انجیل مرقس (۱۷: ۱۵-۲۰)

وسربازان جامه ای قرمز بر او پوشانیدند

و تاجی از خار بافته بر سرش نهادند.

و او را سلام کردن گفتند که «سلام ای پادشاه یهود»

و نی ای بر سر او زدند و آب دهان بر وی انداخته

و زانو زده بدو تعظیم می نمودند.

و چون او را استهزاء کرده بودند،

لباس قرمز را از وی کنده جامه خودش را پوشانیدند

و او را بیرون بردند تا مصلوبش کنند.

* * *

تعمق

بند گردان: رحمت فرما خداوندا، رحمت فرما

که ما آدمیان در گناه هلاک نشویم.

خواننده اول: تمسخر، تحقیر، خوار شمردن!

ضعف قدرتمندان و سلاح ناعادلان.

پادشاه، پادشاه حقیقی جانها،

پادشاه بدون قلمروی محصور در مرزها،

این پادشاه به پست ترین شیوه ها تحقیر می شد.

فروتنی الهی او را به مسخره می گرفتند.

او که خود را فروتن ساخت
تا کرامت انسانی ما را برافرازد
اینک به زشت ترین شیوه ها مسخره می شد.
خدا، سرچشمه هر نیکوئی
اینک از سوی خوشه چینان محبت و احسانش
در نهایت تحقیر و نفرت تهدید می شد.
چه داستان غم انگیزی!
خواننده دوم: چه داستان غم انگیزی!
تبدیل نور به ظلمت،
زیبائی به زشتی،
مهربانی به ناسپاسی.
کجا هستیم؟
آیا عطایای خدا را با اعمال نیک
در حق فرزندان آن بخشنده حیات،
که در او برادران و خواهران ما هستند، پاسخ می دهیم؟
زیرا رفتار ما با یکدیگر
همانا رفتار ما با خداست.
چون محبت خدا از طریق محبت فرزندانش جاری می شود.
آیا با رخوت و بی تفاوتی جواب می دهیم؟
هر بار که می گوئیم «ملکوت تو بیاید»
پادشاه بودن او را اعلام می کنیم.
آیا به آنچه ندا می کنیم
صمیمانه آگاه هستیم؟

آیا شهروندان وفادار پادشاهی او هستیم؟
بی تفاوتی و بی وفائی ما
مترادف تمسخر و تحقیر است.
بند گردان: رحمت فرما خداوندا، رحمت فرما...

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.
همه: ای پادشاه، ای شاه شاهان
ای فرمانروای «ملکوت در ما»،
اعتراف می کنیم درد و رنجی
که با دور شدن از تو بر تو روا داشتیم
درد و رنجی عمیق
و پشیمانی وصف ناپذیری در ما پدید آورده.
ما را ببخش،
روحیه شهروندی حقیقی ملکوت را به ما باز گردان،
احساس وفاداری، اطاعت و تعهد،
نشانه های راستین شراکت
در ملکوت صلح، هماهنگی و عدالت خود را در ما احیا کن.
پرستش «گوساله زرین» و بت های دیگر را
که می خواهند جای ملکوت تو را در ما بگیرند
از ما دور گردان.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله نهم

شمعون قیروانی عیسی را در حمل صلیب یاری می دهد

انجیل مرقس (۱۵: ۲۱-۲۲)

آنها راهگذاری را شمعون نام از اهل قیروان که از بلوکات می آمد مجبور ساختند که صلیب او را حمل کند. پس عیسی را به محلی به نام جلجتا به معنی کاسه سر بردند.

* * *

تعمق

بندگردان: یک صدا: ندای مسیح را بیاد آوریم:

«بدنیال من بیا».

همه: هر که بخواهد با عیسی مسیح زندگی کند همچون مسیح رمج و آزار خواهد دید. (۲ بار)

خواننده اول: شخص شمعون قیروانی

یکی از معروفترین و جذابترین چهره های

روایات عهد جدید شده است.

شخصی ساده و معمولی

از اعضای وفادار و پارسای جامعه.

زائری از آفریقا در اورشلیم.

هنگامی که عیسی، تنها و بی دفاع

در دستان اعدام کنندگان بود

شمعون از کمک به وی دریغ نکرد،

حتی هنگامی که رسولان عیسی

برای کمک به استاد خود حضور نداشتند.

خواننده دوم: چه بسیاری کسان، در گذشته و امروز

آرزو داشته اند که ردای شمعون را بپوشند

تا در راه صلیب مسیح

در حمل صلیب شریک شوند.

محبت، همدردی و شفقت

از دل انسانها رخت برنسته است.

چگونه می توانیم آن شفقت را جامه عمل پوشانیم؟

یا بیانی اینثارگرانه به آن بدهیم؟

محبت و همدردی

اگر به عملی پرشور

و به خدمتی ملموس برای منفعت دیگران تبدیل نشود

قدرت خود را از دست می دهد.

بندگردان: یک صدا: ندای مسیح را بیاد آوریم...

خواننده اول: جلجتا!

نامی که شدیداً یادآور مرگ است،

«محل کاسه سر.»

خواننده دوم: تقدیر ما این است که حیات دنیوی مان

در محل «کاسه سر» به اتمام رسد.

آیا خواهیم توانست مرگ خود را
به شایستگی مرگ بر صلیب برسانیم،
که شهادتی زنده و حیات بخش به صلیب عیسی،
با بوی خوش نجات و حیات ابدی باشد؟

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.
همه: ای خداوند، در سفر خود به سوی مرگ،
ما را نیز چون همراهان خود بپذیر.
ما را در زمره پیروان و یاران خود قرار ده.
روح شمعون قیروانی را در ما القاء کن.
ولی ما را به محلی و رای «محل کاسه سر» هدایت فرما.
ما را در مصلوب شدن شریک گردان.
عطا کن که درد و رنج تو و شریک شدن ما در آن،
باعث شفای امراض ما شود
«زیرا که خطاهای من بیشمار
و بی انصافی‌ها و بی عدالتی‌های من وصف ناپذیر
و پشیمانی‌های من نابخشودنی
و زخم‌های من التیام ناپذیر است.» (از نمازنامه ساعت‌ها، کلیسای ارمنی)

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله دهم

عیسی ملکوت خود را به دزد نیکو وعده می‌دهد

انجیل (لوقا ۲۳: ۳۳-۳۴، ۴۲-۴۳)

او را با دو خطاکار مصلوب نمودند،
یکی را به دست راست و دیگری را به دست چپ او.
عیسی گفت «ای پدر اینها را بیامرز، زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند.»
یکی از خطاکاران گفت
«عیسی،
مرا به یادآور هنگامی که به ملکوت خود آیی.»
عیسی به وی گفت
«هرآینه به تو می‌گویم،
امروز با من در فردوس خواهی بود.»
* * *

تعمق

بند گردان: چنین شد آشکار بر ما محبت‌های ربانی
بهنگام گناه ما
مسیح گردید قربانی.
خواننده اول: مردم به هدف خود رسیده بودند.
آنها می‌دیدند مردی که زندگی‌شان را بهم ریخته بود
بر صلیب می‌خکوب شده

و از میان آنها برداشته شده است.
در نظر آنها او نیز خطاکاری بود مانند آن دو خطاکار دیگر.
اینک، کلماتی که او نجوا کرده بود
آنها را بیشتر معذب می ساخت:
«اینها را ببخش»
آیا آنها از نتیجه اعمالشان،
از تمسخر، شکنجه،
شلاق زدن و مصلوب کردن آگاه بودند؟
چشمان ایشان نمی توانست عمیق تر و واضح تر ببیند
زیرا که پر از خون نفرت بود.
به خاطر درک غلط و گمراهی
اسیر احساسات شده بودند.
خشم و طغیان آنان از سوی
رهبرانی که تصور می کردند
به اعمال خود آگاهی دارند تحریک می شد.
ضعف و سستی انسان تا چه حد!
بند گردان : چنین شد آشکار بر ما محبت‌های ربانی...
خواننده دوم : ضعف و سستی انسان تا چه حد!
چگونه می توانستند بدانند که با خدا همانند
خطاکاران رفتار کرده اند؟
اذهان و قلبهایشان
با این عقیده مضطرب و نگران بود
که از خدا در برابر این کفرگو حمایت می کنند.

چگونه می توانستند بدانند
که از خودشان و اقتدارشان،
تحت نام خدا دفاع می کنند؟
تکبر، خودستایی و قدرت دوستی زیاده از حد
تا چه بلندایی می تواند بالا رود؟
اما بر این تناقض بنگرید.
بخشایش پاسخی است که به شکنجه و شکنجه‌گران داده می شود
بارقه‌ای از امید:
قلب نادم و پشیمان خطاکاری
آنچه را از چشم شکنجه‌گران پنهان بود دید:
یعنی پسر خدا با قدرت محبت و بخشایش خود.
به این خطاکار بیبوندیم و در این هم آوائی بگوئیم:
«عیسی ما را به یاد آور.»

نیایش

کشیش : با هم دعا کنیم.
همه : ای خداوند مصلوب شده،
از بلندای صلیبت،
از اوج دست نیافتنی محبت و بخشایش
بر ما بنگر.
ناتوانی و کوتاهی ما را ببخش
که نتوانستیم تو را درک کنیم
و برحسب فرامین تو زندگی کنیم.

مرحله یازدهم

عیسی بر صلیب، مادر و شاگرد او

انجیل یوحنا (۱۹: ۲۵-۲۷)

پای صلیب عیسی، مادر او
و خواهر مادرش، مریم زن کلویا
و مریم مجدلیه ایستاده بودند.
چون عیسی مادر خود را
با آن شاگردی که دوست می‌داشت ایستاده دید،
به مادر خود گفت: «ای زن، اینک پسر تو»
و سپس به آن شاگرد گفت: «اینک، مادر تو»،
و از آن ساعت آن شاگرد او را به خانه خود برد.
* * *

تعمق

بند گردان: آنکه محبت کرد خدا را خواهد شناخت
زیرا خداوند محبت است.
خواننده اول: لحظه‌ای باشکوه، رویدادی بی‌مانند، اقدام آخر:
مادر - پسر رابطه‌ای شکست ناپذیر.
عیسی در حین خدمت آشکارش
به مادر خود تقریباً بی‌توجهی کرده بود.
به ندرت او را با مادر خود همراه می‌یابیم.

ما را از افتادن در دام وسوسه
اعمال بی‌تدبیر و عجولانه محافظت فرما.
ما را با آرامش فیض حکمت خود
منور گردان.
نیکوئی و احسان تو بی‌انتهاست.
دلهای ما را طاهر بساز
تا در کمال صداقت از تو بطلبیم:
«خطاهای ما را ببخش.»

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مسلماناً او همیشه در قلب و فکر عیسی بوده است.
در این آخرین لحظه حیات او بر روی زمین
مادرش در نظر وی ظاهر می شود
و آخرین فکر او را به خود مشغول می کند.
در بیت لحم چشمان او
بروی مادرش گشوده شده بود.
در جلجتا چشمان او با تصویر مادرش بسته می شود.
مادرش اولین و آخرین کسی بود
که کانون فکر و توجه او، محبت او و مواظبت او بود.
خواننده دوم: زنان: موجودات بسیار حساس خدا.
دختران او، مادران ما، خواهران او،
بند گردان: آنکه محبت کرد خدا را خواهد شناخت...
خواننده اول: آنها از جمله نزدیکترین همراهان او
و مؤمنان به رسالت او،
و شرکای درد و رنج و مرگ او بودند.
آنها همراهان مادر او بودند.
حضور آنها برای وی آرامش روحانی بود.
همانطور که او بارها نوک دشته را
فرو رفته بر قلب خود احساس کرد (لوقا ۲: ۳۵).
مریم اینک در دستهای نیکو قرار گرفته بود.
دستهای رسولی که عیسی بیش از همه دوست می داشت.
شکلی عالی از مقام مادری.

خواننده دوم: شکلی عالی از مقام مادری.
بالاترین وظیفه در زندگی بشری
که خداوند عیسی مسیح
به آن طرز نمونه وار عزیز و گرامی داشت.

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.
همه: ای خداوند عیسی، پسر مریم باکره مقدس
از طریق شفاعت مادر مقدست
در قلب ما محبت به مادرانمان را پاک نگاه دار.
تا بتوانیم به محبت‌های فراگیر آنها
با وظیفه شناسی و تعهد نگهداری آنها پاسخ دهیم.
باشد تا محبتی که از روی صلیب
بر مادر تو جاری شد
تنها قوت قلبهای ما باشد.
تا ما را در رابطه با مادرانمان هدایت کند.
ای مادر عیسی بر همه ما قطره‌ای از
پاکی و معصومیت خود بریز.
تا پسرت عیسی مسیح بر خواهران و مادران ما
حکمت و شجاعت افاضه فرماید.
و در آنها وقار مادر بودن را بیرواند:
که آغاز تمام شادیهای بشری است.

سکوت

همه : درود بر تو ای مریم،

پراز نعمت،

خدا با توست،

میان همه زنان تو مبارک هستی

و عیسی میوه درون تو،

مبارک است.

ای مریم مقدس،

مادر خدا،

برای ما گناهکاران،

اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن.

آمین.

مرحله دوازدهم

عیسی بر روی صلیب جان می سپارد

انجیل مرقس (۱۵: ۳۳-۳۴، ۳۷)

و چون ساعت ششم فرارسید،

تا ساعت نهم

تاریکی تمام زمین را فرو گرفت

و در ساعت نهم، عیسی به آواز بلند ندا کرده گفت

« ایلوئی، ایلوئی لما سبقتنی؟ »

یعنی « الهی، الهی چرا مرا واگذاردی؟ »

پس عیسی آوازی بلند برآورده جان بداد.

* * *

تعمق

بندگردان : خدای من، خدای من

چرا مرا ترک نموده ای

یهوه تنها امید من

خواننده اول : سرانجام!

عیسی و هر چیزی که به او مربوط بود

در پایان راه قرار داشت.

آنهائی که در انتظار حذف کامل او

از صحنه تاریخ بشری بودند

اینک نفس راحتی می کشیدند.

آخرین کلمات عیسی ادا شده

و دیگر سکوت کرده بود.

این آخرین کلمات او بود.

اما «کلمه» جاودانی است

نه آغازی دارد و نه پایانی.

امروز زنده و حقیقی است

همانند دیروز و برای تمام اعصار.

زیرا «در او حیات بود،

و حیات نور انسانها بود.

و نور در تاریکی درخشید

و تاریکی آن را در نیافت.» (یوحنا ۱: ۴-۵)

تاریکی جایی است که نور نیست.

عیسی احساس کرد ترک شده.

او واقعاً انسان بود!

بند گردان : خدای من، خدای من...

خواننده دوم : چه کسی می تواند لحظه مرگ را تحمل نماید

بدون احساس پایان گرفتن

و تهی شدن از حیات؟

شادی و غم نقش متقابلی ایفا می کردند.

شادی برای کسانی که «دشمن» آنها

کارش برای همیشه و به خاطر نیکویی تمام بود.

غم برای آنهایی که فکر می کردند

زندگی آنها محکوم به ظلمت شده است.

استاد آنها برای همیشه رفته بود.

بیائید جان های خود را جستجو کنیم.

چگونه ممکن است ظلمت به نور

و غم به شادی بدل شود؟

نیایش

کشیش : با هم دعا کنیم.

همه : ای خداوند وفات یافته،

ما با فروتنی به درگاه تو استغاثه می کنیم.

در ما بمان، با ما باش.

بدون تو ما در ظلمت هستیم.

«دم آخر» خود را در ما بدم.

باشد که به دم نخستین

حیات نوین ما در تو تبدیل شود.

فکر و قلب آن یوز باشی را در ما قرار ده

که با «آخرین دم» تو

وزش دم روح القدس تو را احساس کرد

و شجاعانه اعتراف نمود و گفت:

«در واقع این مرد پسر خدا بود.»

زانو زده در برابر صلیب تو تکرار می کنیم:

«در واقع تو پسر خدا هستی.»

سکوت

همه : ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله سیزدهم

پایین آوردن عیسی از صلیب

انجیل مرقس (۱۵: ۴۲-۴۳، ۴۵)

چون شام شد

از آن جهت که روز تهیه یعنی روز قبل از سبت بود،

یوسف نامی از اهل رامة که مرد شریف از اعضای شورا

و نیز منتظر ملکوت خدا بود آمد

و جرات کرده نزد پیلاتس رفت

و جسد عیسی را طلب نمود.

«چون از یوزباشی دریافت کرد که عیسی فوت نموده

بدن را به یوسف ارزانی داشت.»

* * *

تعمق

بند گردان: او مظلوم شده مثل بره ای

که جهت ذبح می برند،

دهان خود را ننگشود.

خواننده اول: هنگامی که عیسی را در آخرین لحظات زندگیش بر روی زمین

ترک نمودند،

بر بدنش نیز هیچ تملک نداشت.

آن داستان غم انگیز، بر بدن بی جاننش نیز واقع شد.

چه تناقض مبهوت کننده ای!

«بخشنده عطایا به همه

امروز از سوی پیلاتس چون هدیه ای داده می شود،

او که لباسی از نور می پوشید

به کتانی که یوسف بر او می پیچد راضی است.»

آیین نیایش کلیسای ارمنی: برای مراسم جمعه مقدس

اما جهان بالکل در ظلمت فرو نرفت،

این قصه غم انگیز آمیخته به پرتوهایی از نور گردید.

این نور از قلب کسی می آمد

که مشتاقانه «در انتظار ملکوت خدا بود»:

یوسف اهل رامة.

جانی که حقیقتاً برای خدا اشتیاق داشت،

مردی که نیکوئی خدا در وی هرگز به تاریکی نگرائید.

او بدون حضور در میان رسولان

شاگرد عیسی بود،

در باطن و در خفا

با عیسی در پیوند بود.

بند گردان: او مظلوم شده مثل بره ای...

خواننده دوم: آیا در وضعیت انسانی مان

بارها در وجود خویش از هم نگسسته ایم؟

وجودی درونی در ما هست

که نتوانسته ایم آن را به ظهور آوریم.

زیرا شجاعت نداریم
و انبوهی از دلایل بر شانه هایمان سنگینی می کند.
وجود و صورت ما،
ظاهر و باطنمان،
از هم فاصله بسیار دارند:
اما ساعت راستی و حقیقت فرا می رسد
که ظواهر وجود درونی را می شکافد
و خود واقعی ما را آشکار می سازد.
این لحظه کمالیت،
زمان صداقت
و ساعت نجات است:
یعنی عیسی را چون خدا و نجات دهنده خود بشناسیم.

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم
همه: ای خداوندی که بدن بی جان تو را از صلیب پایین آوردند،
تمنا داریم که هر چند در بدن جسمانیت ما را ترک نمودی
اما در روح ما را ترک مکن.
بدن بی جان تو
برای ما معبد روح القدس است.
بر ما نظر فرما
و آن دوگانگی که یکپارچگی ما را نابود می کند شفا ده.
وسوسه تردید، دودلی و ترس را از ما دور ساز.

صورت خود را بار دیگر در ما بنمایان
تا یکپارچگی خود را تجدید کنیم
همان گونه که یوسف اهل رامه «جرات نمود»
و با ایمان و محبت آشکارا عمل کرد.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی ...

مرحله چهاردهم خاکسپاری عیسی

انجیل مرقس (۱۵: ۴۶)

«یوسف اهل رامه کتانی خریده

عیسی را از صلیب پایین آورد

و به آن کتان کفن کرده

در قبری که از سنگ تراشیده بود نهاد

و سنگی بر سر قبر غلطانید.»

* * *

تعمق

بندگردان: آمین، آمین شما را گویم

اگر دانه گندم به زمین افتاده نمیرد،

تنها ماند

اما اگر بمیرد ثمر بسیار آورد

هللویاه، اگر بمیرد ثمر بسیار آورد

هللویاه، هللویاه، هللویاه.

خواننده دوم: قبر!

سرانجام محتوم وجود جسمانی ما،

آن زندان نهائی بدنها که هیچ کلیدی برایش نیست.

قبری «تراشیده شده در سنگ»،

تکان ناپذیر، «مهر و موم شده» و «تحت نظر».

راز دست نیافتنی!

خواننده اول: راز دست نیافتنی!

«زندگانی بخش تمام موجودات

امروز در قبری از سنگ تازه تراشیده دفن می شود.

گنج جاودانگی

به فرمان محفل کاهنان مهر و موم می شود.

بخشنده حیات جاودان

امروز فروتنانه به خاک زمین نزول می کند.

او که در نور دست نیافتنی ساکن بود

بدنش را در دل زمین دفن کردند.»

آیین نیایش کلیسای ارمنی: برای مراسم جمعه مقدس

بندگردان: آمین، آمین شما را گویم...

خواننده دوم: آیا می توان نور را دفن کرد؟

مردمان قبرهائی دارند

اما ایمان، امید، محبت،

عقاید، آرمانها و ارزشهای جاودانی در قبر نمی گنجند.

خواننده اول: «او که زمین و آسمان

گنجایشش را ندارد

در قنداقه ای پیچیده شده بود»

آیین نیایش کلیسای ارمنی: برای عید میلاد

وی را نمی توان پیچید

و در دل زمین مدفون کرد.

خواننده دوم: آنگاه که بدنش در خاک آرمیده
در ایمان و امید انتظار بکشیم
تا نور قیامش را نظاره کنیم.

نیایش

کشیش: با هم دعا کنیم.
همه: ای خداوند در قبر خفته،
اعتراف می کنیم که دلهایمان سنگین و آکنده از اندوه است.
غیبت جسمانی تو ما را عمیقاً متأثر می سازد.
از تو می طلبیم که دلهای ما را به سوی قبر حقیقی ات بازگردانی،
تا ببینیم که تو از دلهایمان برمی آیی
و زندگیمان را مملو می سازی.
چه بسیار نیازمند امید هستیم.
بر ما ترحم فرما.
گناهان ما را در قبر دفن کن،
با بخشایش خود لذت حیات جاودان را به ما بچشان
تا با دلها و اذهانی پاک
قیامت را خوشامد گوئیم
و سپاس و تجلیل ما
آراسته تو گردد تا به ابد. آمین.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

بندگردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی
قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی
باشد که در زخمهای تو شفا یابیم
در زخمهای تو شفا یابیم.

بوسیدن شمایل صلیب مسیح

بندگردان: بره مذبوح و بپا خاسته
شبان ما خواهد بود
و ما را به چشمه های آب حیات هدایت خواهد کرد.

2